



## عدم وجود آزادیهای فردی و اجتماعی

پاسخ فایق کیخسروی به شش پرسش آرش

س - دلایل و خصلت اصلی این جنبش و شکل گیری و دوام آن را چگونه می توان توضیح داد؟

**فایق کیخسروی:** مردم ایران در انقلاب 57 خواست ها و مطالبات روشن و حداکثری داشتند که برآمده از وضعیتی بود که دیکتاتوری شاهنشاهی بوجود آورده بود، جامعه علیه فقر و فلاکت (که ارمغان اقتصادهای سرمایه داری برای توده های مردم است)، علیه ظلم و ستم حاکمیت بر اقشار جامعه، علیه فساد اقتصادی و اجتماعی، علیه عدم وجود آزادیهای فردی و اجتماعی و در شکل کلی بر علیه تمامی ارکان دیکتاتوری طغیان کرد و در میان توده های مردم طبقه کارگر به عنوان یکی از نیروهای اصلی و نیرومند این انقلاب تا سرنگونی نظام سرمایه داری سلطنتی نقش ایفا کرد. اما بعد از انقلاب 57 مردم ایران خود را در شرایطی یافتند که هیچ کدام از آن خواستهایی که برایش انقلاب کرده بودند برآورده نشده بود و هر گونه صدا و اعتراض از جانب نیروهای اصلی انقلاب که بخش اعظمی از آن، کارگران بودند توسط حاکمیت جدید (که از لحاظ زیربنایی همان سرمایه داری بود با چهره ای دیگرگونه) سرکوب می شد. با گذشت زمان و با پیشرفت روزافزون تکنولوژی و رشد سریع ثروتها و تولیدات جامعه، مردم نیز انتظار و خواست بدست آوردن زندگی مدرن و مرفه در شان انسان را بیشتر طلب می کردند اما در مقابل تنها چیزی را که شاهد بودند گسترش و پیشرفت فقر و نابرابری، سلب روزافزون آزادیهای انسانی و گسترش فساد اجتماعی تا حد پایین آمدن سن تن فروشی به سنین کودکی بود. این را جامعه نمی توانست تحمل کند و حاکمیت هم هیچگاه حاضر به اندک اصلاحاتی نشد و با ایجاد اختناق و سرکوب هر بیشتر در صدد خفه کردن صدای مردم بر می آمد تا اینکه در طول جریان انتخابات و اعلام تقلب در انتخابات جامعه دیگر تاب نیامد و از این فرصت به دست آمده استفاده کرد تا با حضور در خیابان ها بتواند مطالبات و خواسته های اجتماعی سلب شده خود را فریاد زند. این جنبش شاید برآمده از ایجاد فضایی بود که در طی انتخابات بوجود آمد اما اکنون شاهدیم که پایه های عمیقی در همان خواسته های فروخورده و منکوب شده جامعه دارد و چون تمامی این خواستها در جنبش، توده گیر و عمومی شده پس جامعه تا بدست آمدن آنها جنبش خود را تداوم خواهد داد.

س- ترکیب طبقاتی جنبش کنونی را چگونه ارزیابی می کنید؟

**ج:** متأسفانه اغلب کسان در انکشاف ترکیب طبقاتی جنبش موجود به بیراهه می روند. اگر منظور این باشد که از چه اقشاری حضور دارند پاسخ این است که از همه اقشار جامعه از دانشجویان و معلمان و زنان گرفته تا کارگران بخشهای مختلف و خیل عظیمی از بیکاران و پیر و جوان حضور دارند. اما اگر بجوایم ترکیب طبقاتی این جنبش را بدست دهیم باید در مطالبات و خواستها و سنت و شیوه ی خاصی که در اعتراض ها نمود پیدا می کند دقیق شویم. که با توجه به این نکات به این نتیجه می رسیم که خواستهای کلی و عمومی این جنبش را خاصیت طبقه کارگر که همواره بیشتر از هر بخش جامعه مورد آسیب نبود آن خواستهای انسانی اجتماعی که در سئوال اول به آنها اشاره شد قرار می گیرد نمایندگی می کند و در این خواستهای عمومی، طبقه متوسط جامعه نیز با طبقه کارگر شریک است چون این خواست ها را طبقه متوسط نیز در انقلاب پیشین نمایندگی می کرد که ناچار به فروخوردن آن شد اما اکنون بار دیگر فرصتی به دست آمده تا با تمام توانش پیگیر مطالباتش باشد.

**س -** آیا شکل گیری یک جنبش ضد دیکتاتوری به نفع کارگران و زحمتکشان است یا فقط در صورتی به نفع آنهاست که با خواست ها و رهبری آنها شروع شود؟

**ج:** به هر حال بخشی از خواستهای کارگران به مثابه یک طبقه، مشترک با دیگر اقشار جامعه است و بدست آمدن یک سری از آزادی های سیاسی اجتماعی قدر مسلم برای کارگران و زحمتکشان هم مفید است، لاقلاً این امکان بوجود می آید که اعتراضاتشان برای بدیهی ترین خواستهایشان یا تشکل های مستقل خود ساخته شان مورد امواج وحشیانه ترین حملات پلیسی قرار نمی گیرد. اما از آنجا که یک تحلیل علمی و عمیق در مورد ریشه های دیکتاتوری نشان می دهد، دیکتاتوری در ایران، نه به این دلیل است که مثلاً دولت ها به عنوان روبرنای سیستم های موجود به لحاظ سیاسی دوست دارند که دیکتاتور باشند و اگر دولتی دوست داشته باشد میتواند دیکتاتور نباشد. مسئله این است که ریشه های ایجاد دیکتاتوری در ایران در زیربنای اقتصادی سیستم سرمایه داری موجود نهفته است. اقتصاد سرمایه داری موجود چون مکانیسم تولید سود ان مبتنی بر نیروی کار ارزان است، و به این دلیل که نیروی کار را ارزان می خرد نتیجه ی آن سطح بسیار نازل و غیر انسانی معیشت جامعه و خاصاً طبقه کارگر است و برای ساکت ماندن جامعه در مقابل زندگی های به شدت زیر خط فقر ناچار به ایجاد دیکتاتوری میشود. پس جنبشی اگر به واقع ضد دیکتاتوری باشد مسلماً در جریان ایجاد دستاوردهایی که دارد اولین جایی که منشا اثر می شود سطح معیشت و جایگاه اجتماعی طبقه کارگر است.

**س-** چه نیروهایی کارگر هستند؟ و آیا می توان وزن طبقاتی کارگران و زحمتکشان را در متن همین جنبش تقویت کرد؟ آری یا نه؟ چرا، چگونه و با چه شرایطی؟

**ج:** تمامی آن کسانی که به نحوی در رابطه با مناسبات تولید، نیروی کار خود را چه نیروی یدی و چه نیروی فکری در مقابل دریافت مزد می فروشند کارگر هستند.

کارگران و زحمتکشان در جنبش به صورت احاد، همواره حضور داشته اند و روز به روز هم به تعدادشان اضافه خواهد شد چون به هر حال کارگران جدای از جامعه نیستند و در مبارزاتشان همراه با جامعه اند. اما حضور کارگران و زحمتکشان به مثابه یک طبقه را نیز به وضوح میتوان شاهد بود چون اساساً بدست آوردن خواستهای طبقاتی اجتماعی خود را در گرو این می بینند که با اهرم فشار مبارزاتشان بتوانند آنها را عملی کنند، هیچ کجا سرمایه داری با خواست خود حتی ناچیزترین خواست کارگران را برآورده نخواهد کرد. اساساً این جنبش متعلق به کارگران نیز هست به همان دلایلی که به قلم آمد و مسلماً برای تقویت بیشتر وزن طبقاتی کارگران نیز می شود و باید کارهایی انجام داد. باید لایه های آگاه و پیشروان کارگری در کنار آگاه گری ها و سازماندهی ها از طریق ایجاد و هدایت تشکل های مستقل کارگری که به دست خود کارگران ساخته شود اقدام به طرح و برجسته کردن مطالبات طبقاتی اجتماعی کارگران و تقویت اتحاد کارگران حول این مطالبات اجتماعی تا حدی که این مطالبات در سطح رئوس اساسی جنبش اجتماعی قرار گیرد اقدام کنند.

**س-** چرا نقش چپ در جنبش کنونی ( دست کم تاکنون ) حاشیه ای بوده است؟ چگونه می توان وزن و نقش چپ را در این جنبش تقویت کرد؟  
**ج:** اساساً وقتی گفته می شود چپ طیف خیلی بزرگی را شامل می شود که معلوم نیست منظور کدام است اما در واقع چپ جامعه ان بخشی است که در مقابل نیروی راست حاکم قد علم کرده و اعتراض می کند که البته شامل لایه های متعددی می شود که در سؤال مشخص نیست منظور از چپ و حضور حاشیه ای آن چیست. اما چپ واقعی جامعه جنبش کارگری است، به این دلیل که ریشه ی استثماراری که کارگران متحمل می شود و ریشه ی بدست آمدن مطالباتش خیلی پایه ایست و دقیقاً با زیر بنای اقتصادی سیستم درگیر است و همین مشخصه تعریف چپ را بیشتر نشان می دهد از این رو برای پاسخ به چگونگی تقویت جنبش چپ شما را به پاسخ سؤال قبل در مورد چگونگی تقویت وزن طبقاتی کارگران ارجاع می دهم.

**س-** با تجربه ای که از انقلاب بهمن داریم و درس هایی که از شکست آن گرفته ایم، برای آن که جنبش کنونی مردم به شکست نیانجامد چه می توان کرد؟

**ج:** درست است که جامعه تجربه های گران سنگی در انقلاب بهمن و شکست آن بدست آورده و جامعه آگاه موجود مسلماً از این تجارب و درس ها استفاده می کند. اما برای اینکه جامعه برای احقاق حقوقش دوباره به شکست نخورد باید این مسئله را در دستور بگذارد: اینکه جنبش خواست ها و مطالبات حداکثری خود را بشناسد و در طی مبارزه برای پیروزی، خواست ها و مطالباتش را به کرسی بنشاند و با توان توده ای خود ان ها را تثبیت کند، نباید دیگر زیر بار حواله کردن عملی شدن مطالبات اجتماعی به فردا ها برود و تا مطالباتش را تثبیت نکرده جنبش باید راهش را ادامه دهد.